

برنامه های درسی تربیت شهروندی: اولویتی پنهان برای نظام آموزش و پرورش ایران

کوروش فتحی راجارگاه
گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

یکی از زمینه های که بویژه در دهه اخیر در بسیاری از مجامع علمی بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است و دامنه مباحثات و پژوهش ها در آن بطور فزاینده ای در حال گسترش می باشد، مقوله تربیت شهروندی است. بی گمان می توان گفت که فلسفه تشکیل هر نهاد یا سازمانی پاسخگویی به نیاز یانایزهای معینی است و نظام آموزش و پرورش نیز از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی موثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزشهای اجتماعی تربیت و تحویل جامعه نماید.

متأسفانه در نظام آموزش و پرورش بویژه برنامه های درسی مدارس توجه لازم به تربیت شهروندی نمی شود و صرف نظر از آنکه برنامه درسی ویژه ای تحت عنوان "آموزش شهروندی" وجود ندارد، در قالب برنامه های درسی دیگر نیز کمتر اثری از آن می توان یافت. مقاله حاضر با درک اهمیت و ضرورت مساله بر آن است تا با تبیین تلاشها و اقدامات انجام شده در سطح بین المللی، قلمرو تربیت شهروندی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و مجموعه اقدامات و فعالیتهایی که می تواند به تربیت شهروندانی مطلوب و موثر کمک نماید، در چارچوب نظام آموزش و پرورش مورد بررسی و نقد قرار دهد.

واژه های کلیدی: برنامه درسی، تربیت شهروندی، آموزش و پرورش.

بی‌گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهمترین دلمشغولی‌های اکثر نظام‌های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای دنیامی‌باشد. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه‌های آموزشی متنوع، تربیت شهروند مناسب را در صدر اقدامات و فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. برای مثال همانطور که در گزارش اخیر مطالعه تربیت شهروندی «انجمن بین‌المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی»^(۱) آمده است، تمامی جوامع معاصر دارای این نگرانی و دلمشغولی عمیق هستند که چگونه نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی شهری و شهروندی آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی را به آنها بیاموزند (Toreny-porta, 1991) در این گزارش، که به عنوان یک سند معتبر برای بسیاری از محققان و پژوهشگران سراسر دنیا مورد استفاده واقع می‌شود، تصریح شده است که در دهه ۱۹۹۰، تربیت شهروندانی فعال و موثر یکی از هدفت‌های مهم و کلیدی در برنامه‌های درسی کشور استرالیا بوده است (Kennedy, 1997, p.39). بهمین سان در کشور کانادا نیز تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین وظایف نظام آموزشی است و از طرق گوناگون برای تحقق آن تلاش می‌شود (Sears et al, 1999, p.129).

از سوی دیگر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز این روند به چشم می‌خورد. بر مبنای مطالعه ویژه‌ای که با حمایت دانشگاه سوکی^(۲) آمریکا و با مدیریت دانشگاه هنگ‌کنگ انجام شده است، تقریباً در بیشتر کشورهای آسیا به ویژه جنوب شرقی آسیا، مسئله تربیت شهروندی هم از نقطه نظر درک اهمیت و ضرورت آن و هم از لحاظ اقدامات آموزشی مورد توجه عمیق می‌باشد (Lee, 1999, p.1) با این همه، اگرچه انگیزه و عامل مشوق توجه به تربیت شهروندی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تا حد زیادی متفاوت می‌باشد، اما از نقطه نظر اهداف و مقاصد این نوع تربیت، تفاوت چشم‌گیری ملاحظه نمی‌شود. به عبارت روشن‌تر، طیف وسیعی از پژوهش‌ها و تلاش‌های علمی به این حیطة بنیادی در سراسر دنیا معطوف شده و انجمن‌ها و مؤسسات پژوهشی گوناگون در این راستا تأسیس و راه‌اندازی شده است.

کشور جمهوری اسلامی ایران که پس از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی ایران، تغییر و تحولات عمیق و همه جانبه‌ای را در عرصه سیاست و توسعه داخلی با طرح شعاری محوری «جامعه مدنی» تجربه می‌کند و در سطح جهانی نیز با تأکید بر سیاست‌های محوری تفاهم بین‌المللی و تنش زدایی در جستجوی راهکارهای جدید برای زیست مسالمت آمیز با سایر کشورهای جهان می‌باشد (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹) مقوله تربیت شهروندی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چه آنکه در سایه دارا بودن شهروندانی مناسب و فرهیخته که از دانش، توانش و نگرش لازم برای زیست در یک جامعه مدنی برخوردار باشند، توان تحقق شعارهای مورد نظر در عرصه داخلی و بین‌المللی بدست خواهد آمد. اگرچه برای جامعه مدنی، تعاریف و برداشت‌های مختلفی ارائه شده است (برای مثال جامعه مدنی به عنوان شیوه زندگی از دیدگاه هابرماس، جامعه مدنی به عنوان واسطه و حلقه اتصال فرد و دولت، جامعه مدنی به عنوان جامعه سازمان یافته براساس نظام وابستگی متقابل بهمراه مسئولیت مدنی از دیدگاه هگل و تعاریف دیگر) شاید بتوان در یک برداشت کلی، جامعه مدنی را مجموعه‌ای از شهروندان تلقی نمود که در قالب نهادها، موسسات و جنبش‌ها برای کنترل دولت فعالیت می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۸، ص ۷۶) و در قلب آن نیز مفهوم شهروندی قرار دارد. به عبارت دقیق‌تر پرداختن به اموری چون مشارکت‌گرایی، توسعه نهادهای ارتباطی، پاسخگو بودن در برابر ملت، تأمین حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، رقابت سالم و مانند آن (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸) مستلزم آن است که نظام تعلیم و تربیت کشور، با عزمی بنیادین برای پرورش شهروندانی مناسب و موثر به منظور زندگی و ایفای نقش در چنین فضایی اقدام نماید بهمین سان تفاهم با سایر ملل و شعار بنیادین «گفتگوی تمدن‌ها» مستلزم آنست که فرد فرد جامعه ایرانی، بینش و آگاهی لازم را در خصوص تمدن‌ها، میراث فرهنگی و احترام به اندوخته‌های فرهنگی خود و سایر ملل را بدست آورند و این میسر نیست، مگر آنکه مقوله تربیت شهروندی به گونه‌ای جدی در نظام آموزش و پرورش ایران دنبال گردد.

متأسفانه علیرغم چنین روندی در جامعه معاصر ایران، مقوله تربیت شهروندی به گونه‌ای جدی مورد توجه نظام آموزش و پرورش نیست و عدم تناسب برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش با بسیاری از نیازهای جدید خصوصاً نیازهای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی بوضوح قابل مشاهده است. این بیان بویژه در مورد نظام آموزش رسمی کشور در قالب مراحل و

مقاطع تحصیلی رسمی مصداق دارد. اما در عین حال در آموزش و پرورش ایران، فرصتهای متعددی برای پرداختن به این ضرورت اساسی وجود دارد که از میان آنها می‌توان به فعالتهای خارج از مدرسه^(۳) و اردوها^(۴) اشاره کرد. همانطور که بعداً در مقاله حاضر بدان خواهیم پرداخت. فعالتهای فوق برنامه^(۵) و اردوها با توجه به ماهیتشان، محیطی مناسب برای پرداختن به تربیت شهروندی می‌باشند. مقاله حاضر مقدمتاً مفهوم شهروندی و ویژگی‌های آن را مورد بحث قرار می‌دهد و در بخش دوم به تربیت شهروندی و راهکارهای آن می‌پردازد.

مفهوم شهروندی

۱- تعریف شهروندی

مفهوم شهروندی اگرچه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مساله‌دار است. یونگ استدلال می‌کند که شهروندی در حقیقت مجموعه‌ای از ارتباطات عمدی بین مردمی است که می‌خواهند از «حالت طبیعی» یعنی حالتی که زندگی بصورت منزوی، فقیرانه و حیوانی جریان دارد، اجتناب ورزند. از این رو شهروندی، نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقاء رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند (Merrifield, 1997) بنابراین اگر جامعه به شهروندان مفید و موثر نیاز دارد، پس باید مطمئن شود که این شهروندان از طریق فرصت‌هایی برای اکتساب مهارت‌ها تواناییها و اطلاعات ضروری تربیت می‌شوند (SLO, 2000).

مفهوم شهروندی تا حد زیادی وابسته به شرایط کشور خاص و جامعه ویژه می‌باشد و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می‌طلبد. جامعه مدنی برای یک کشور به معنای استقلال اقتصادی، برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی - اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است. برای مثال این امر برای مردمان انگلیسی و آمریکایی به معنای مشارکت مدنی می‌باشد و شهروند در این دو کشور به کسی گفته می‌شود که با شبکه‌های اجتماعی (نظیر انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمانها و ...) در ارتباط هستند (Prior, 1999a) اما با فروگذاردن تفاوت‌ها و در یک برداشت کلی می‌توان گفت؛ شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد به نحوی که آنها قادر باشند در یک جامعه دموکراتیک، محیط خرد و محیط اجتماعی ساینده را به نحو

مثبت و بارزی متاثر سازند. (Bron, 1996).

۲- ویژگی‌های یک شهروند خوب

شاید دشوارترین سئوالی که در مقوله شهروندی با آن مواجه هستیم، ویژگی‌ها و خصیصه‌های شهروند خوب باشد و پاسخ به این پرسش نیز مستلزم بررسی و کنکاش همه جانبه و عمیق در فرهنگ و روح زندگی در هر جامعه است. در این راستا مطالعات متعددی انجام شده است که از جمله آنها مطالعه «پرایور»^(۶) در استرالیا، «براون»^(۷) در کانادا، «لی»^(۸) در آسیا و «فتحی» در ایران می‌باشد. بر اساس مطالعه ویژه‌ای که توسط وارن پرایور در کشور استرالیا انجام شده است، ویژگی‌های زیر برای شهروند مطلوب در جامعه استرالیا احصاء گردیده است. (Prior, 1999a)

۱- ویژگی‌های مرتبط با دلمشغولی اجتماعی: شامل علاقه و نگرانی نسبت به رفاه و آسایش دیگران، رفتارهای اخلاقی و پذیرش تنوع؛

۲- ویژگی‌های مرتبط با جنبه‌های مشارکتی/ عملی: شامل ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، توانایی بررسی ایده‌ها و عقاید مختلف، توانایی اتخاذ تصمیمات معقولانه و مشارکت در مسائل مدرسه یا جامعه محلی؛

۳- ویژگی‌های مرتبط با درک و فهم مدنی: شامل آگاهی از حوادث و رویدادهای جاری جامعه و جهان و آگاهی از عملکرد دولت؛

پژوهش دیگری که در کشور کانادا انجام شده است، ویژگی‌های زیر را برای شهروند مطلوب خاطر نشان کرده است:

۱- توانایی برای مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی بدست آوردن اطلاعات (از کتابخانه، اینترنت، جلسات عمومی) و بیان عقاید و ایده‌ها؛

۲- اطمینان و جرات برای فراکنشی عمل کردن، داشتن عقاید مستقل، عمل مستقلانه و مسئولیت‌پذیری؛

۳- دانش درباره اموری چون نحوه سازمان یافتن جامعه، نحوه عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از عقاید و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور، ایدئولوژی و فلسفه

پژوهش دیگری که توسط «نی» در سطح آسیا انجام شده است (با استفاده از نظرات بران آسیایی) سبزه ویژگی را برای شهروند موثر شمرده است: (Lucc, 1999). شهروند خوب

از مسائل، حوادث و مشکلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد؛

در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد؛

در قبال وظایف و نقش‌های تفویض شده مسئولیت پذیر باشد؛

نگران رفاه و آسایش دیگران باشد؛

رفتنار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد؛

نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی و نظارتی هستند، پذیرش داشته باشد؛

توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده‌ها را دارا باشد؛

توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد؛

در باره حکومت و دولت کشور خود آگاهی و دانش کافی داشته باشد؛

دارای حس وطن پرستی باشد؛

نسبت به مسئولیت‌های خانوادگی، پذیرش و مسئولیت داشته باشد؛

از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن آگاهی داشته باشد؛

به وجود تکثر و تنوع در جامعه احترام قابل باشد؛

و بالاخره در پژوهش جدیدتری که در ایران انجام گرفته، ویژگی‌های شهروند خوب

ای کشور ایران از طریق مطالعات نظری و میدانی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این

پژوهش یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران باید در سه حیطه یا قلمرو دارای صلاحیت‌های

مبتنی باشد که عبارتند از:

- «شناخت مدنی»^(۹) عبارت است از مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، اطلاعات و درک و فهم مدنی و

مولفه‌های آن که عبارتند از آگاهی از نحوه بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه

ملککرد دولت، آگاهی از دیدگاه‌های احزاب عمده کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای

جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین‌المللی.

- «توانایی مدنی»^(۱۰) عبارت است از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که هر

کس برای زیست در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به آنها نیاز دارد و مولفه‌های آن عبارتند از

توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکا به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیمات منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

۳- «نگرش مدنی»^(۱۱): که عبارت است از مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، باورها و دیدگاههایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مؤلفه‌های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه بردباری و تحمل، داشتن روحیه انتقادپذیری، دارا بودن روحیه قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی ملی. (Fathi, 2001)

همانطور که ملاحظه می‌شود، شباهت زیادی بین ویژگیهای احصاء شده توسط پژوهشهای مختلف در خصوص ویژگیهای یک شهروند خوب ملاحظه می‌شود. با این همه مشخص کردن خصوصیات شهروند مطلوب خصوصاً «شهروند مذهبی»^(۱۲)، بدان سازه که در جامعه ایران مدنظر می‌باشد، مستلزم بررسی‌های همه جانبه و فراگیر، بویژه با استفاده از اسناد و منابع دینی و ارزشی جامعه ایران می‌باشد.

فرهنگ دینی و ملی جامعه ایران، دارای زمینه‌ها و مبانی متعالی در این زمینه می‌باشد. برای مثال در منابع دینی بر زمینه‌هایی نظیر مشارکت و همکاری «تعاونوا علی البر والتقوی» (مائده، ۲)، وحدت و همدلی «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳) و صلح و حل تضادها «انما المؤمنین اخوه فاصبروا بین اخویکم» (حجرات، ۱۰) تاکید شده است.

و مواردی نظیر این فرمایش پیامبرگرامی اسلام که می‌فرمایند: «من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس مسلم» «وکسی که روز را آغاز کند و در حل مشکلات مسلمانان اقدام ننماید، مسلمان نیست» فراوان یافت می‌شود. به همین سان فرهنگ ملی ایران نیز دربرگیرنده اشعار، مفاهیم و اشارات متعددی است؛ نظیر این شعر سعدی، شاعر شیرین سخن که «بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند» که با استفاده از آنها می‌توان ویژگی‌های شهروند مطلوب برای جامعه ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اما از آنجا که در مقاله حاضر، تنها ضرورت‌های پژوهش در این عرصه مطرح می‌شود، بررسی فراتر در این زمینه مقوله‌ای است که نیازمند تلاش و همت بلند دامنه صاحب‌نظران و محققان در آینده می‌باشد.

۳- شهروند جهانی^(۱۳)

شباهت ویژگی‌های مورد نظر برای شهروند موثر در جوامع مختلف، (صرف نظر از

پارهای تفاوت‌ها) بیانگر آن است که در بسیاری از زمینه‌ها، کشورهای گوناگون، دارای مسائل مشترکی هستند. در کنار این، وجود شهروندانی که تابع دو کشور هستند و ارتباطات گسترده‌ای که بواسطه تحولات تکنولوژیک در عصر حاضر بوجود آمده است، مقوله شهروند جهانی را بیش از پیش در کانون توجه قرار داده است.

«آکسفام»^(۱۴) در تعریف شهروند جهانی بر این باور است که شهروند جهانی به فردی اطلاق می‌شود که از جهان و دنیای معاصر آگاهی کافی دارد، با نقش خود به عنوان یک شهروند آشنا است و ضمن احترام به ارزشها و تنوع در تمامی امور از سطح محلی گرفته تا سطح جهانی مشارکت فعال دارد (Tobiasen, 2000).

با چنین برداشتی، شهروند جهانی بودن مستلزم آشنایی فرد از نحوه عملکرد جهان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیک است. به عبارت روشن‌تر برای شهروند جهانی نیز پارهای ویژگی‌ها برشمرده است که مشهورترین آنها این خصوصیات را در سه بخش دانش و درک و فهم، «مهارت‌ها» و «ارزش و نگرش‌ها» مدنظر قرار داده است. جدول زیر این ویژگی‌ها را به تفصیل نشان می‌دهد:

ویژگیهای شهروند جهانی		
دانش و درک و فهم	مهارتها	ارزشها و بینش‌ها
• عدالت و برابری اجتماعی	• تفکر انتقادی	• احساس هويت و عزت نفس
• تنوع	• استقلال کردن	• تعهد به عدالت اجتماعی و برابری
• جهانی شدن و وابستگی انسان‌ها به یکدیگر	• مبارزه با بی‌عدالتی و برابری	• ارزش و احترام به تنوع
• توسعه پایدار	• احترام به افراد و امور مختلف	• علاقه به حفظ محیط زیست
• صلح و تضاد	• همکاری و حل تضادها	• اعتقاد به نقش انسان در ایجاد تغییر و تحول

(به نقل از Lagos, 2002, p4)

پرورش شهروند فعال و موثر، خواه در سطح ملی و خواه در سطح جهانی، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستا است. همانطور که «کراچینک»^(۱۵) می‌گوید: شهروندی مقوله‌ای است که باید آموخته شود و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که

فرصت‌های مناسب برای آن وجود داشته باشد (Sears, et al, 1999). بخش دوم مقاله حاضر به بحث تربیت شهروندی می‌پردازد.

تربیت شهروندی

۱- مفهوم تربیت شهروندی

تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیتهای تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود که در اشکال رسمی و غیررسمی، افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند (Torney-Porta, p752). تربیت شهروندی هم در اشکال صریح (رسمی) و هم در اشکال ضمنی (غیررسمی) دنبال می‌شود و محتوای آموزشی آن هم در سطح ملی و هم در سطح محلی منطقه‌ای یافت می‌شود.

در یک چشم انداز ملی، فلسفه اصلی تربیت شهروندی، دستیابی به مقاصد یوفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار موسسات سیاسی، ایجاد نگرش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزشهای بنیادین جامعه نظیر تساوی و برابری، علاقه به مشارکت سیاسی مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است (Hudson, 2001). آنچه که گفته شد، ناظر به تربیت شهروندی از چشم انداز ملی بود. اما هنگامی که حیطه بحث به زمینه جهانی گسترش یابد موضوع به گونه‌ای متفاوت مدنظر خواهد بود. این امر در تعریف مفهوم شهروندی جهان‌مورد بحث قرار گرفت.

۲- اهداف تربیت شهروندی

همانطور که گفته شد، تربیت شهروندی در هر جامعه ناخذ زیادی تابع فرهنگ، تاریخ حکومت و شیوه اداره آن کشور و بطور کلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. مقوله تربیت شهروندی با آموزش ارزش‌ها به شدت گره خورده است و رموز پیچیدگی‌های موجود در ارزشهای حاکم بر هر جامعه‌ای تصریری متفاوت به شهروندان

صلاحیتهای ضروری آنان می‌دهد. این چگونگی در بررسی‌ها و مطالعات انجام شده به وضوح قابل مشاهده است.

برای مثال، در برخی از کشورهای جهان سوم، فهرستی از اهداف مهم تربیت شهروندی تدوین شده است و در آنها تلاش شده است تا با فروگذاری تفاوت‌ها، ویژگی‌های مهم شهروندان را به تصویر کشیده شود. برای مثال تلی: در مطالعه‌ای، همانطور که به تفصیل در ادامه مقاله خواهد آمد، این اهداف را در ۱۲ کشور آسیایی بررسی نموده است و مهم‌ترین اهداف را (مشمول بر فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی افراد، افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل) شناسایی نموده است (Lee, 1999, p3). به همین سان فتحی در مطالعه‌ای، این اهداف را برای جامعه ایران در سه حیطه: شناخت و آگاهی مدنی؛ مهارت‌های مدنی؛ و «بینش مدنی» طبقه‌بندی نموده است (Fathi, 2001).

اهداف تربیت شهروندی در ممالک توسعه یافته نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. برای مثال «بوتس»^(۱۶) تاریخ‌دان برجسته تعلیم و تربیت در کشور آمریکا مجموعه اهداف تربیت شهروندی را به دو دسته اساسی هدف‌های مرتبط به «وحدت و اتحاد»^(۱۷) در جامعه و هدف‌های مرتبط با «تکثرگرایی»^(۱۸) تقسیم می‌کند و زیر مجموعه هر یک از آنها را به شرح زیر برمی‌شمرد:

- ۱- وحدت و اتحاد در جامعه: شامل عدالت، تساوی و برابری، قدرت و اقتدار، مشارکت، الزام شخصی برای خیرخواهی عمومی و مانند آن؛
- ۲- تکثرگرایی: شامل آزادی، تنوع، حریم و حرمت شخصی، حقوق شخصی، حقوق بشر بین‌المللی و مانند آن (Butts, 1982).

در انگلستان فهرست مشابهی پیشنهاد شده است که از جمله مهم‌ترین موارد آن عبارتند از آزادی، بردباری و تحمل، جوانمردی، احترام به حقیقت و احترام به استدلال و منطق (Portner, 1981). به همین سان «هللی‌گین» معتقد است که تدوین برنامه درسی شهروندی در آلمان باید بدنبال تحقق مقاصد چون تضمین حقوق بشر و تاسیس نهادهایی که امکان فعالیت و ایفای نقش آزادانه را برای نیروهای اجتماعی مختلف فراهم کند، باشد (Hilligen, 1987) به همین سان شراهد و مطالعات در دسترس نشان می‌دهد که فهرست اهداف و برنامه‌های تربیت

شهروندی در اکثر کشورهای جهان کم و بیش مشابه است (برای مثال نگاه کنید به Lee, 1999) (Prior, 1999, Arthur and Davison, 2000)

با اینهمه با توجه به وجود زمینه‌های سیاسی و تاریخی متفاوت، محتوای ویژه تربیت شهروندی در کشورهای مختلف جهان با یکدیگر تفاوت دارد. در کشورهایی که نظام تعلیم و تربیت آنها بصورت متمرکز اداره می‌شود، اهداف تربیت شهروندی در بیانات و اعلامیه‌هایی که توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش آنها منتشر می‌شود، به طور صریح اعلام می‌شود (نظیر کشور سوئد و نیجریه). اما در کشورهایی که به صورت متمرکز اداره می‌شوند، معمولاً یک برنامه یا کتاب درسی ویژه تجویز می‌شود و در کل کشور تدریس می‌گردد (Toreny-Potra, 1991). در پاره‌ای از موارد نیز در اینگونه کشورها فهرستی از کتب و برنامه‌های تایید شده به مدارس ابلاغ می‌شود و مدارس از بین آنها دست به انتخاب می‌زنند و (Ibid. p753).

در نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز، علیرغم تفویض اختیار گسترده به مناطق، هماهنگی و همخوانی قابل ملاحظه‌ای بین ایالات و مناطق وجود دارد (نظیر کشور کانادا) اما در برخی دیگر از آنها تصمیم‌گیری درباره اهداف و سیاست‌های تربیت شهروندی بصورت کاملاً غیرمتمرکز انجام می‌شود (Butts, 1980). برای مثال در کشور آمریکا بیش از ۱۷۰۰۰ هیات آموزشی مدارس، کار انتخاب برنامه درسی و کتب را به انجام می‌رسانند (Toreny-Porta, 1991).

۳- دلایل توجه به تربیت شهروندی در دوران معاصر

اگرچه تربیت شهروندی دارای قدمت نسبتاً زیادی است و برای مثال در کشوری چون آمریکا بیش از ۹۰ سال از عمر آن می‌گذرد، اما به دلایل متعددی، توجه علمی و پژوهشی فزاینده به این مقوله در دهه‌های گذشته به چند عامل اساسی در کشورهای مختلف جهان بستگی داشته است. این عوامل به طور خلاصه عبارتند از:

✦ مهاجرت

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه بحث تربیت شهروندی، مهاجرت توده مردم می‌باشد، زیرا در چنین حالتی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای مهاجرپذیر، توسعه و پرورش حس وفاداری ملی و وطن پرستی در مهاجران است. این مساله بشدت بر نظام آموزشی کشور آمریکا

اثر گذاشته است (Ehman, 1982). به همین سان مهاجرت گسترده به کشورهای نظیر استرالیا، کانادا و نیوزلند، تربیت شهروندی و تقویت وحدت ملی را مبدل به یک دلمشغولی تمام عیار برای اولیای آموزشی این کشورها کرده است (Ichilov, 1991). مهاجرت حتی در درون مرزهای یک کشور بویژه در ممالکی که ایالت‌های مختلف از قواعد و قوانین متفاوتی پیروی می‌نمایند نیز یکی از دلایل عمده توجه به تربیت شهروندی است. در این راستا، تربیت شهروندی زمینه لازم را برای پرورش هویت ملی و آشنایی افراد به فرهنگ مدنی و اجتماعی فراهم می‌سازد.

* رشد سریع اقتصادی

یکی دیگر از عوامل تعیین کننده توجه به آموزش شهروندی، ضرورت آماده سازی بسترهای لازم برای رشد اقتصادی است. بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای چون آلمان و ژاپن این روند آغاز شده است و در کشورهای آسیایی (بویژه جنوب شرقی آسیا) و نیز آمریکای لاتین در دهه گذشته به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر، طرح‌ها و برنامه‌های متنوعی برای جایگزینی ارزشهای متناسب با دموکراسی صنعتی و حذف ارزشهای سنتی آغاز شده است (Lee, 1999) و برای حصول به این مقصود، مقوله آموزش شهروندی به طور جدی مدنظر قرار گرفته است با این همه دستیابی به رشد اقتصادی سریع‌تر، یکی از عوامل اساسی توجه به تربیت شهروندی می‌باشد (Kennedy, 1997).

برای مثال در مرحله آزادی سازی اقتصادی و ورود به اقتصاد جهانی، نوجوانان و جوانان باید به منظور حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد رقابتی و خوداشتغالی آماده شوند و اهمیت و جایگاه رشد و توسعه اقتصادی و اقدامات و نتایج آن باید برای شهروندان روشن باشد.

* تحولات سیاسی

سومین عامل موثر، تحولات سیاسی است که در جوامع مختلف بوقوع می‌پیوندد. نظام‌های سیاسی و حکومتی دستخوش تغییر و تحولات بنیادی یا اصلاحی می‌گردند و احزاب و گروه‌های مختلف در عرصه منازعه سیاسی و دستیابی به قدرت توجه‌ای ژرف به منافع و خواست عمومی مبذول می‌دارند (Cogan, 1998). در این فرایند برای دستیابی به اهداف و آرمانهای اجتماعی، تربیت شهروندی همواره یک برنامه بلند مدت و در عین حال موثر به شمار می‌رود. به عبارت روشن‌تر، توسعه سیاسی بدون مشارکت سیاسی و مدنی امکان‌پذیر نمی‌باشد و مشارکت مردمی مستلزم آگاهی شهروندان از مسائلی چون وظایف، تکالیف و مسئولیتهای

آنان در قبال امور سیاسی و اجتماعی و تبعات و نتایج مشارکت یا عدم مشارکت آنان در اینگونه امور است. از این رو آماده سازی افراد و آموزش مهارت‌های فردی و آگاهی بخشیدن به آنان در خصوص زمینه مشارکت یکی از عوامل توجیه کننده گسترش تربیت شهروندی محسوب می‌شود.

* گسترش ارتباطات

گسترش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی یکی دیگر از دلایل اصلی توجه به تربیت شهروندی در بسیاری از کشورهای جهان بشمار می‌رود. برخلاف گذشته هم اکنون در جهانی به سر می‌بریم که استعاره «دهکده جهانی» را برای آن به کار می‌برند. ملتها و مردم در جوامع گوناگون از طریق وسایل ارتباطی متعددی چون تلفن، اینترنت و ماهواره به یکدیگر دسترسی سریع دارند و پیشرفت فزاینده وسایل حمل و نقل، امکان مبادلات گسترده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم آورده است (Gagnon, 1999).

در این راستا تربیت شهروندی در ابعاد مختلف می‌تواند زمینه ساز آسایش و رفاه مردم هر کشوری باشد. در بعد سیاسی - اجتماعی، آگاهی از حقوق فردی و بین‌المللی، در بعد اقتصادی، آشنا شدن افراد با قوانین و قواعد در سطح بین‌المللی و در بعد فرهنگی، تعمیق و توجه توأم با درک و بصیرت نسبت به میراث فرهنگی (Arthur and Davison, 2000, P.10) و جلوگیری از ایجاد از خودبیگانگی در مقابل سایر فرهنگ‌ها و شیوه زیست مردمان سایر جوامع مستلزم آموزش مفاهیم شهروندی در قرن بیست و یکم می‌باشد.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی

۴- راهکارهای تربیت شهروندی

همانطور که گفته شد آماده سازی شهروندان برای زندگی و زیست در یک زمینه محلی، ملی و یا بین‌المللی، مستلزم فراهم سازی فرصت‌های تربیتی مناسب می‌باشد. بویژه در صورتی که نیک بنگریم، تربیت شهروندی با فلسفه تاسیس نظام آموزش و پرورش گره خورده است. زیرا در یک برداشت کلی هدف اصلی از ایجاد و توسعه نظام آموزشی، تربیت شهروندان موثر و فعال برای جامعه می‌باشد و آینده هر کشوری بر میزان توانمندی، آگاهی، نوع نگاه و بیشتر شهروندان آن نسبت به امور مختلف کشور و جهان بستگی دارد. از این رو، در جوامعی نظیر کشور ایران که این هدف کمتر مورد توجه واقع شده است، آموزش و پرورش شهروندان

مناسب، اولیستی پنهانی به شمار می‌رود.

بطور کلی مجموعه‌ها و مکان‌های معینی وجود دارد که اکثر افراد در آن می‌توانند شهروندی را بیاموزند، که از جمله آنها خانواده که فرد در آن رشد می‌کند؛ نظام آموزش مدرسه‌ای، آموزشهای رسمی و غیر رسمی پس از مدرسه، محل کار و مشارکت در فعالیتهای مدنی است. در اینجا بحث متمرکز بر نظام آموزشی با تاکید بر برنامه درسی است. در این راستا برای پرورش ویژگی‌ها و ارزشهای شهروندی حداقل می‌توان راهکارهای زیر برشمرد برشمرد:

الف) آموزش مستقیم شهروندی از طریق برنامه‌های درسی

نخستین نشانه عزم راسخ برای تربیت شهروندی، وجود برنامه درسی ویژه برای این امر است تا از طریق اجرای آن، دانش‌آموزان یک فضای دموکراتیک را تجربه نمایند. این چگونگی مستلزم آن است که مقامات، سیاستگذاران آموزشی و مدارس، بازاندیشی مجددی را نسبت به مناسب بودن موضوعات درسی سنتی برای تربیت شهروندی انجام دهند. دو شکل یا الگوی اصلی برای آموزش مستقیم از طریق برنامه درسی وجود دارد:

۱- آموزش از طریق برنامه‌های درسی مجزا: منظور از برنامه درسی مجزا، آموزش شهروندی در قالب یک برنامه درسی خاص و جدا از سایر برنامه‌های درسی است. برای مثال در کنار دروسی نظیر ریاضیات، علوم تجربی و مانند آن، درس ویژه‌ای برای شهروندی در نظر گرفته شود (Myers and Myers, 1991). در این شیوه، برنامه درسی تربیت شهروندی با توجه به پارامترهای زمان، شرکت کنندگان و معلمان تدوین و اجرا می‌شود.

۲- آموزش از طریق برنامه‌های درسی درهم تنیده: در این شیوه، تربیت شهروندی با موضوعات و برنامه‌های درسی دیگری که در مدارس آموزش داده می‌شود، درهم تنیده می‌شود. منظور از درهم تنیده کردن، تلفیق مباحث شهروندی با دروس نزدیک و مرتبط به یکدیگر در قالب یک درس خاص می‌باشد. از لحاظ علمی، هر یک از این دو رویکرد، طرفداران و منتقدان خود را داراست. برای مثال در کشورهایی چون هنگ کنگ، کره و سنگاپور بیشتر بر موضوعات مجزا تاکید می‌شود زیرا به علت فرصت زمان اندک مدارس و صلاحیتهای پایین بهره‌ای از مربیان، عملاً تربیت شهروندی به شکل درهم تنیده دچار مشکل شده و یادگیری سطحی و غیر عمیق را بوجود می‌آورد (Lee, 1999). اما در پاره‌ای دیگر از نقاط جهان از برنامه‌های درهم تنیده حمایت می‌شود. در این شکل باور عمومی براین است که مفاهیم

شهروندی به شکل موضوع درسی خاص تدریس نشود، زیرا در این حالت تنها اطلاعات افراد را افزایش داده و برنگرش و متش آنها کم اثر خواهد بود (Prior, 2000).

بهر حال بنظر می‌رسد استفاده از هر دو شکل پرورش ارزشهای شهروندی، (برنامه مجزا و نیز در هم تنیده) حصول به هدف‌های تربیت شهروندی را بهتر ممکن می‌سازد. در صورتی که برنامه‌های درسی ویژه و مجزایی برای تربیت شهروندی تدوین شود و یا اینکه ارزشهای شهروندی بصورت درهم تنیده عرضه شود، اهداف آن می‌تواند مشتمل بر موارد زیر باشد. (Lee, 1999).

- ۱- کمک به دانش آموزان در تعبیر و تفسیر ارزشها و مفاهیمی که توسط وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و... منتقل می‌شود؛
- ۲- فراهم سازی مبنای لازم برای رشد روحی و روانی دانش آموزان؛
- ۳- توسعه حس قدرشناسی و تقدیر نسبت به میراث فرهنگی و تقویت هویت ملی؛
- ۴- افزایش مسئولیت پذیری شخصی؛
- ۵- افزایش آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی؛
- ۶- فراهم کردن راهنمایی برای رفتار در زندگی روزمره؛
- ۷- کمک به افراد جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی؛
- ۸- مبارزه با بدرفتاری با محیط زیست؛
- ۹- افزایش و ارتقای صلح (در سطح ملی و بین‌المللی)؛
- ۱۰- تقویت غرور ملی در سطح جامعه؛
- ۱۱- تقویت مبنای خانواده؛
- ۱۲- افزایش احترام به ارزشهای عدالت، برابری و مانند آن؛
- ۱۳- تقویت و تسریع رشد و توسعه اقتصادی؛
- ۱۴- افزایش احترام و تساوی فرصت‌ها برای دختران و زنان؛
- ۱۵- جلوگیری از آسیب رسانی اجتماعی و افزایش بردباری و تحمل؛
- ۱۶- پذیرش نظم و تبعیت از قوانین اجتماعی؛

براساس مطالعه ویژه‌ای که در سطح بین‌المللی انجام شده است و در آن از نخبگان تربیتی ۱۲ کشور جهان نظرخواهی بعمل آمده است، مهمترین و کم‌اهمیت ترین اهداف بشرح

زیر طبقه‌بندی شده است:

مهمترین اهداف	
در سطح بین‌المللی	در سطح آسیا
۱- کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی	۱- فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی
۲- فراهم آوردن مبنایی برای رشد روحی و روانی	۲- افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی
۳- افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی	۳- کمک به افراد در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و منطقی
کم اهمیت‌ترین اهداف	
در سطح بین‌المللی	در سطح آسیا
۱۵- ارتقای صلح	۱۵- سازش با بدرفتاری با محیط زیست
۱۶- افزایش و تثبیت غرور و افتخار در سطح جامعه محلی	۱۶- ارتقای صلح
۱۷- افزایش احترام و تساوی فرصت‌های دختران و زنان	۱۷- افزایش احترام و تساوی فرصت‌های دختران و زنان

(به نقل از Lee, 1998)

همانطور که ملاحظه می‌شود سه هدف مهم در سطح آسیا همانند اهدافی هستند که در سطح بین‌المللی مورد توجه بوده‌اند در حالیکه این مساله در مورد اهداف کم‌اهمیت‌تر مصداق ندارد (اگرچه بررسی عمیق و دقیق از هدف‌های تربیت شهروندی، بدان سان که در عمل دنبال می‌شود می‌تواند نتایج متفاوتی را دنبال داشته باشد) اینکه در فعالیت‌های تربیتی در کشور ایران باید چه اهدافی دنبال شود، مستلزم بومی‌کردن این مفاهیم و تعدیل و تصریح در آنها مطابق با ارزش‌ها و نیازهای اجتماعی است. بر مبنای مطالعه بین‌المللی دیگری (Lee, 1998) خاطر نشان شده است که در هر برنامه شهروندی حداقل ۱۲ نوع ارزش می‌تواند دنبال شود.

عنوان	آسیا	بین المللی
ارزشهای اخلاقی	۱/۷	۲/۰
ارزشهای شهری	۱/۸	۱/۹
استقلال شخصی	۲/۰	۱/۹
دموکراسی	۲/۳	۲/۱
ارزشهای مربوط به کار	۲/۳	۲/۳
ارزشهای خانوادگی	۲/۳	۲/۵
آگاهی از محیط زیست	۲/۴	۲/۳
تنوع و چندفرهنگی	۲/۵	۲/۶
صلح و حل تضادها	۲/۶	۲/۶
هویت ملی و وطن پرستی	۲/۸	۲/۸
آگاهی از مسائل جهانی	۲/۸	۲/۸
تساوی جنسیت	۳/۱	۲/۸

(به نقل از Lee, 1998 p.6)

همانطور که ملاحظه می‌شود در سطح آسیا، ارزشهای اخلاقی، شهری و استقلال شخصی در صدر اولویت قرار دارند. این روند کم و بیش در سطح بین الملل با توجه به میانگین‌ها و اولویت‌ها محاسبه شده، به چشم می‌خورد. بهمین سان در مورد کم اهمیت‌ترین ارزشها نیز هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح آسیا با مواردی چون تساوی جنسیت، آگاهی از مسائل جهانی، وطن پرستی و صلح مواجه هستیم. البته تاکید بر هریک از آنها در برنامه‌های درسی ایران مستلزم بومی سازی و پژوهش نظام‌دار است.

در اجرای برنامه‌های درسی (فعالتهای کلاسی) نیز باید ملاحظات چند مدنظر قرارگیرد. در یک حالت ایده‌آل، معلمان باید امکان مشارکت والدین و دانش‌آموزان را در تدوین برنامه‌های خود فراهم نمایند و یا حداقل در روش کار خود باید به مشارکت بچه‌ها توجه داشته باشند. آنها می‌توانند از طریق دخالت دادن دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها، استفاده از روشهای تدریس و یادگیری مشارکتی، تربیت شهروندی را تسهیل نمایند (Prior, 2000). در حقیقت دانش‌آموزان باید این فرصت را داشته باشند که در مجموعه متنوعی از گروهها، هم در داخل

لاس و هم در سطح جامعه مشارکت داشته باشند.

(فراهم آوردن محیط مناسب در سطح کل مدرسه

در سطح مدرسه، اولین و مهم‌ترین جنبه آن است که فضای مدرسه خود نمونه‌ای مطلوب از یک جامعه دموکراتیک و مناسب برای تربیت شهروندی باشد. از اینرو تمام افراد مرتبط در جامعه تربیتی مدرسه (یعنی معلمان، مدیر، دانش‌آموز و والدین) باید به درک مشترکی از معنای «شهروند خوب» برسند و سپس لازم است در خصوص محیط آموزشی مناسب برای چنین ویژگی‌هایی به بحث پردازد. نقش اصلی در ایجاد محیط مناسب برای تربیت شهروندی به عهده مدیر و معلمان مدرسه است. یک جامعه مردم سالارانه نیازمند شهروندانی است که آگاه، متفکر و مشارکت‌جو باشد. از این‌رو اگر زمینه‌های فرهنگی موجود در مدارس به نحوی باشد که به معلمان فرصت و امکان لازم برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها ندهد، طبیعی است که آنها نیز به نوبه خود چنین امکانی را برای یادگیرندگان در جهت اتخاذ تصمیمات مشترک و مشارکت‌جویی نمی‌دهند. از اینرو یکی از عناصر کلیدی در این راستا، مدیر مدرسه است که بر جریان تصمیم‌گیری آموزشی و پرورش‌کنترل دارد. اگرچه در کشور ما عملکرد مدیران مدارس توسط مقامات آموزشی مرکزی و استانی محدود می‌گردد اما اگر آنها لحاظ روانشناختی و شخصی‌آمادگی داشته باشند تا بتوانند قدرت را در سطح مدرسه تقسیم کنند، محیط مدرسه می‌تواند مبدل به محیطی مناسب برای فعالیت و مشارکت معلمان، دانش‌آموزان و والدین گردد. طبیعی است که در مراحل اولیه فرایند تربیت شهروندی در سطح مدارس، آنها به کمک‌ها و مساعدت‌های متعددی نیازمندند که از جمله آنها فراهم‌سازی منابع آموزشی و کمک آموزشی مناسب، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها و نیز ارتباط و مشارکت بین مدارس و مراکز دانشگاهی و پژوهشی مرتبط بسیار ضروری است (Starkey, 2000).

مطالعه‌ای که اخیراً انجام شده است نشان می‌دهد که تدریس دروس شهروندی و مدنی تنهایی نقش مهمی در افزایش مشارکت مدنی ایفا نمی‌کند. بجای آن ایجاد فرصت‌های لازم برای مشارکت دانش‌آموزان در فرایندهای اداره مدرسه، همراه با فراهم‌سازی فرصت لازم برای بحث در خصوص مسائل جاری و ذی‌علاقه می‌تواند موثر واقع گردد. (Verhu, 1995)

(توجه به نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت شهروندی:

شاید مهمترین سوال در اینجا آن باشد که چرا فعالیت‌های خارج از مدرسه محیط

مناسبی برای آموزش شهروندی محسوب می‌شوند؟ پاسخ به این سوال نیازمند بررسی و ارائه شواهد تجربی است، اما در یک برداشت کلی می‌توان دلایل زیر را برای این امر مطرح نمود: (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۹)

- فعالیتهای فوق برنامه مبتنی بر فعالیتهای ارتجالی و طبیعی یادگیرندگان است: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فعالیتهای فوق برنامه آن است که مبنای هرگونه آموزش و یادگیری را بر فعالیتهای خود جوش و طبیعی یادگیرندگان قرار می‌دهد و به این دلیل دانش‌آموزان از انگیزه و علاقه بیشتری برای مشارکت در یادگیری برخوردار هستند.
- محیط فعالیتهای فوق برنامه بواسطه متفاوت بودن از محیط رسمی و خشک مدارس، بهتر امکان یادگیری را فراهم می‌آورد. متأسفانه عدم انعطاف‌پذیری برنامه و فعالیتهای آموزشی مدارس موجبات عدم رغبت را در یادگیران فراهم می‌کند، در حالیکه محیط غیررسمی، دوستانه و مبتنی بر فعالیتهای مستقل یادگیرندگان، زمینه مساعدتری را برای تربیت شهروندان ایجاد می‌کند.
- تجانس زیادی بین اهداف فعالیتهای فوق برنامه و اهداف تربیت شهروندی وجود دارد. همانطور که ملاحظه شد تربیت شهروندی دارای هدف‌های کلی استقلال، رعایت حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و مانند آن است که در یک بررسی اولیه همین موارد در زمره اهداف فعالیتهای فوق برنامه نیز می‌باشد.
- روش آموزش در فعالیتهای خارج از مدرسه مبتنی بر آموزش غیرمستقیم است منظور این است که در فعالیتهای فوق برنامه باید به انتقال یادگیری از طریق فعالیتها و اقدامات اجتماعی پرداخت. این ویژگی تناسب بسیار زیادی با تربیت شهروندی دارد زیرا مطالعات نشان داده است برنامه‌های درسی رسمی مدارس در زمینه آموزش شهروندی، تنها دانش و اطلاعات افراد را در پاره‌ای موارد افزایش می‌دهد ولی بر نگرش‌ها و رفتار افراد کمتر موثر است (Fathi, 2001) این در حالی است که در فعالیتهای فوق برنامه می‌توان از طریق فعالیتهای متنوع و گوناگون بر نگرش و رفتار دانش‌آموزان بیشتر اثر گذاشت.

چگونه می‌توان در فعالیت فوق برنامه، تربیت شهروندی را تسهیل کرد؟

با توجه به ویژگی‌های اساسی فعالیت فوق برنامه در محیط مدرسه و خارج از آن حداقل

باید به دو محور اساسی زیر توجه داشت:

الف) ویژگی ها و فعالیتهای مناسب برای تربیت شهروندی

ب) برنامه درسی پنهان

الف) ویژگی های فعالیتهای مناسب برای تربیت شهروندی

در فعالیتهای فوق برنامه، طرح ها و اقدامات متعددی طراحی و به مرحله اجرا در می آید. این فعالیت ها طیف وسیعی از امور نظیر گردش، بازدید علمی، نمایشنامه، شعر، موسیقی، ورزش و غیره را در بر می گیرد (براون، ۱۳۷۹). در صورتی که در انتخاب این فعالیت ها و اقدامات تربیتی، مجموعه ای از ملاک های زیر رعایت شود، می تواند نقش مهمی در تحقق اهداف تربیت شهروندی داشته باشد. (Dyneson, 1992, p55)

۱- فعالیتهایی انتخاب شوند که بنحوی با مسائل و حوادث جاری مربوط باشند؛

۲- فعالیتهای بیشتر مبتنی بر استقلال و خوداتکایی فرد باشد؛

۳- فعالیتهایی انتخاب شوند که در آن دانش آموزان با نیازها و مسئولیت های خود در سطح ملی و فراملی آشنا شوند؛

۴- در انتخاب فعالیت ها به این نکته بنیادی توجه شود که دانش آموز از سنت ها و ارزشهای کشور و جامعه محلی خود مطالبی را بیاموزد؛

۵- فعالیتهایی ترجیح دادند که مستلزم تماس و همکاری با مقامات دولتی و کشوری در سطح ملی و محلی باشد.

۶- فعالیت ها بنحوی باشد که در آنها دانش آموزان درباره تاریخ و حکومت کشور خود مطالبی را بیاموزند؛

۷- فعالیت ها مستلزم رعایت قواعد و مقررات رفتاری و استفاده از فرایندهای قانونی و ساختاری باشد؛

ب) برنامه درسی پنهان:

در کنار برنامه درسی رسمی و صریح، برنامه درسی پنهان از اهمیت زیادی برخوردار است. بطور کلی ابعاد برنامه درسی پنهان عبارتند از: (Myers and Myers, 1991).

۱- مجموعه ارتباطات، تعاملات و برخوردهایی که شرکت کنندگان در برنامه ها و فعالیتهای مختلف با یکدیگر دارند و بدین ترتیب از نگرشها، رفتارها و طرز تلقی های یکدیگر متأثر

می‌شوند؟

۲- مجموعه ارتباطات، تعاملات و برخوردهایی که شرکت کنندگان در برنامه‌ها با مسئولان و اولیای امر دارند و بهمین سان تعامل فکری و رفتاری با آنها ایجاد می‌کنند؛

۳- فضا و اتمسفر کلی حاکم بر محیطی که به نوبه خود بر رفتار و نگرش شرکت کنندگان اثر می‌گذارد.

برنامه درسی پنهان اگر چه طراحی شده و به عمد ساخته و پرداخته شده نیست، ولی به شدت بر رفتار و نگرش دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود. دانش‌آموزان بسیاری از امور و مسائل را در محیط آموزشی از یکدیگر می‌آموزند که می‌تواند بر له یا علیه اهداف تربیت شهروندی باشد. به همین سان ماهیت ارتباطی که مسئولان و مربیان با آنها دارند، اینکه به چه میزان فضای لازم برای بیان نظرات و عقایدشان فراهم می‌آید، اینکه چقدر در نحوه اداره و تصمیم‌گیری درباره برنامه‌ها و فعالیتها با آنها مشورت می‌شود و اینکه چقدر مربیان و مسئولان خود به عنوان یک شهروند خوب، بطور صحیح عمل می‌کنند، جملگی بر تحقق یا عدم تحقق اهداف تربیت شهروندی مؤثر است. جو موجود در محیط تربیتی نیز یکی از عوامل مؤثر در این زمینه بشمار می‌آید، چه آنکه اگر محیط تربیتی منعکس کننده یک جامعه مدنی موقت ولی درعین حال عمیق و همه جانبه باشد، بر رفتار و نگرش دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه می‌شود، تربیت شهروندی یکی از مهمترین مسائل نظامهای آموزش و پرورش در کشورهای مختلف جهان است و مجموعه عواملی که توجه به این مقوله را در نظام آموزش و پرورش توجه می‌کنند، در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز مصداق دارند. بدیهی است که هدفها و شیوهای تربیت شهروندی به شدت متأثر از ارزشها و نظام سیاسی و فلسفی حاکم بر جامعه است، اما نظر به تغییر و تحولات جامعه ایرانی با عنایت به عزم ملی برای توسعه و دستیابی به فضای اجتماعی باز و مدنی، اهمیت تربیت شهروندی و گنجاندن آن در برنامه‌های درسی مدارس از اولویت زیادی برخوردار می‌گردد، اولیوی که اگر چه در حال حاضر مورد غفلت قرار گرفته است.

همانطور که در مقاله بحث شد، مهمترین رسالت نظام آموزشی کشور عبارت است از

گسترش و تعمیق ارزشهای انسانی و اجتماعی در سطح جامعه و علیرغم تلاشهای انجام شده در ابعاد آموزشی، پرورشی و تبلیغی برای پرورش شهروند مطلوب، این اقدامات قرین موفقیت نبوده است. مهمترین گواه این ادعا، رشد یافتن نسل جدید در کنار نظام اجتماعی کشور بدور از ارزشهای بومی ایران و بسان بیگانگان می باشد.

به همین سان، مسائل و مشکلات عدیده‌ای که در بعد اجتماعی و سیاسی فراروی کشور فراگرفته است نیز شایان توجه می باشد. بحران‌ها و شورشهای اجتماعی، هنجار شکنی، ارزش ستیزی، زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات اجتماعی و مهمتر از همه بی توجهی به ارزشهای اجتماعی جالش اساسی رافزروی جامعه قرار داده است. که شاید کلید اصلی این معما، بازاندیشی و تأملی مجدد بروظایف و اهداف نظام آموزشی باشد که در کانون آن تربیت شهروندی قرار دارد، مقوله‌ای که غفلت از آن می تواند نتایج زیان بارتر از آنچه که تاکنون تجربه کرده ایم، به دنبال داشته باشد. از این رو پیام اصلی مقاله حاضر، بازشناسی این اولویت پنهان و زمینه سازی تلاشی بنند دامنه برای ارتقای جایگاه آن در برنامه های درسی مدارس کشور می باشد.

همانطور که در مقاله حاضر مطرح شد امکانات و فرصتهای متعددی در اختیار نظام آموزش و پرورش قرار دارد که می توان از آن در جهت تربیت شهروندی بهره گرفت که از جمله مهمترین آنها افزایش توجه به این مقوله در برنامه های درسی مدارس بصورت یک برنامه درسی ویژه تحت عنوان «آموزش شهروندی» است. علاوه براین می توان از طریق آموزش معلمان و سایر پرسنل مدرسه، فضای مناسبی را برای آموزش شهروندی در سطح مدرسه و کلاس درس فراهم آورد و از کلیه فرصتهایی که بصورت رسمی و غیر رسمی در اختیار مدارس و معلمان قرار دارد، در این راستا بهره گرفت. در پایان می توان بدون تردید ادعا کرد که در آینده نزدیک، ضرورتهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، تربیت شهروندی را مبدل به یکی از مهمترین زمینه های تصمیم و عمل در نظام آموزش و پرورش ایران خواهد کرد اما آیا بهترینست از هم اکنون تدابیر لازم برای پژوهش و تصمیم سازی در این عرصه مهم را اتخاذ کنیم؟

پی نوشت‌ها

1. Buitts (2001) Required Characteristics for Good Citizenship American
2. Camps
3. Civic Cognition (1977) Conceptual Framework for an Analysis of Citizenship
4. Civic Abilities (1977) University Research Group, University of Montreal, Canada, Paris
5. Civic Attitudes (1977) Characteristics for Good Citizenship
6. Extra curriculum (1987) Citizenship Revised Journal of Educational Review No 57
7. Global citizenship (Religious Citizenship Internet: <http://www.gla.ac.uk>)
8. J. Brown (1977) Leading Positions in Political Education, International Journal
9. International Association for the Evaluation of Educational Achievement (IEA)
10. Krajnic
11. Out of school activities (The London School of Economics and Political Science, London)
12. Religious citizenship (1977) Educational Review, No 57
13. R. Oxfum
14. Pluralism
15. Suki university
16. Unity
17. W. Prior
18. W. O. Lee



شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی
میرتال جامع علوم انسانی

- منابع
- ۱- قرآن مجید
 - ۲- براون، سالی و دیگران، راهنمای تدریس موثر. ترجمه دکتر کورش فتحی و اجارگاه تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۷۹.
 - ۳- تاجیک، علی. جامعه مدنی، تهران: انتشارات طرح نو. ۱۳۷۸.
 - ۴- رابرتسون، دیوید، فرهنگ سیاسی معاصر. ترجمه مهندس عزیز کیاوند تهران: نشر البرز. ۱۳۷۵.
 - ۵- غنی نژاد، موسی. جامعه مدنی (آزادی، اقتصاد و سیاست). تهران: انتشارات طرح نو. ۱۳۷۷.
 - ۶- فتحی و اجارگاه، کورش. درآمدی بر اردوهای تهران: انتشارات فاخر. ۱۳۷۹.
 - ۷- مجموعه مولفان: جامعه مدنی: اصول، رویکردها و زمینه شکل‌گیری آن در جمهوری اسلامی ایران تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۷۸.
 - ۸- محمدی، مجید. جامعه مدنی ایرانی. تهران: نشر مرکز: ۱۳۷۸.
 - ۹- وزارت امور خارجه. سیاست خارجی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
 - ۱۰- ویژه نامه جامعه مدنی. مجله اندیشه حوزه، سال چهارم. شماره دوم. پاییز ۱۳۷۷.
 - 11- Arthur, Y. and Davison, Y (2000) Social Literacy and & Citizenship Education in the School Curriculum: The Curriculum Journal. Vol.11, No.1
 - 12- Bron, J (1996) Multidimensional Citizenship. University of Toronto press. CA.
 - 13- Butts R. F (1982) The Revival Of Civic Education. Phi Delta Kappa. ducation Foundation- Bloomington, Indiana.
 - 14- Cogan, Y and Ray, D (1998) Citizenship Education for the 21 st Century London: Cogan page Ltd.
 - 15- Dynneson, T (1992) What Do Good Citizenship Mean to student? Social Education Journal. Vol.8.No.3.
 - 16- Ehman, H (1980) The American School in the Political Socialization Process.

- Journal of Education Review. No 50:99-119.
- 17- Fathi, K.(2001)Required Characteristics for Good Citizenship. Australian Curriulum Studies Association. Canberra, Australia.
- 18- Gagnon, F(1999) Conceptual Framework for an Analsis of Citizenship. International Comparative Research Group. University of Monreal. Canada.- Fathi, K.(2001)Required Characteristics for Good Citizenship.
- 19- Hilligen, O(1987) CitizenShip Revised. Journal of Education Review. No.53.
- 20- Hudson, W(2001)Religious Citizenship. Internet: <http://www.gfu.ac.edu> .au
- 21- Ichilov, O (1991) Citizenship Education. Teacher College Press. New York.
- 22- Kuhn, A (1997) Leading Positions in Political Education. International Journal of Political Education.No.33-44.
- 23- Kwan, Y. H (1991) A Study of the Attituds of Secondary Student on Values in Life, Hongkong: YWCA.
- 24-Kennedy, K(ed)(1997) Citizenship Education and the Modern State. London:The Falmer press.
- 25- Lagos, T. G (2002) Global Citizenship: Toward a Definition. Paper Presented at the International Seminar on Political Consumerism. Stockholm University.
- 26-Lee W.O (1998) Measuring Impact of Social Value and Change. New Hampshire:Hollis Publishing company.p112-113.
- 27-Lee, W,O (1999):Qualities of Citizenship for the New Century: Perceptions of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCO-ACEID International Conference on Refoming Learning, Curriculum and Pedagogy. Bangkok, Thailand 13-16DC.
- 28- Merrifidd, H(1997) Citizenship Education: Parent Involvement. BERA. Education on line.
- 29- Myers L & Myers .W (1991) An Introduction to Teaching and Schools. Congan age. London.UK.
- 30- Portner, G.(1981)Citizenship Education. Englewood Cliffs, NJ:Prentic Hall.

- 31- Prior, W (1999a) What is Means to be a "Good Citizen" in Australia. ACSA. Preth.Australia.
- 32- Prior, W (1999b) Concept of Citizenship. Journal of Social Education. Vol 4.No.1. Australia.
- 33- Prior, W (2000) Citizenship Education: Australian Experiences. SLO. Netherlands.
- 34- SLO (2000) I Participate, Therefore I am. Netherlands. Institute for Curriculum Development (SLO). Enschede.
- 35- Sears, A.M. etal (1999) Canadian Citizenship Education. IEA.
- 36- Starkey, H (2000) Citizenship Educatin in France and Britain. Routledge. Taylor and. - Francis Group. London. UK.
- 37- Tobiasen, M(2000) Global Citizenship. Paper Presented at- European Political Research. Copenhagen.11-19 April
- 38-Torney-purta, Y(1991) Civic Education. In : International Encyclopedia of Curriculum. Edited by A.Lewy. Pergamon Press.
- Verhu,R(1995)Political Education. In:International Journal of Political Education . No.33